



مفهوم‌پردازی هندسه جهاد تبیین در اندیشه مقام معظم رهبری مدظله العالی

سیدجواد امینی^۱، حجت سلیم^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۶

چکیده:

امروزه شاهد یک جنگ وسیع و ترکیبی با نظام جمهوری اسلامی هستیم. نظامی که با رد تمام الگوهای تمدنی استکباری و مبتنی بر جهان‌بینی توحیدی شکل گرفته است. یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های دکترین جنگ‌های نوین، استفاده از رسانه‌های اجتماعی برای ایجاد تهدیدهای امنیتی نرم و به دنبال آن تهدید امنیت فرهنگی و در نهایت امنیت ملی است. این امر عمدتاً به دلیل پیشرفت‌های فزاینده تکنولوژی‌های نوین ممکن گشته است. در این میان طرح مفهوم مترقی جهاد تبیین از سوی مقام معظم رهبری مدظله العالی در امتداد منظومه فکری کلان ایشان در حوزه مواجهه با جنگ ترکیبی، جنگ نرم و جنگ رسانه‌ای دشمن، بسیار مهم و راهبردی است. پژوهش حاضر با درک جایگاه مهم فریضه جهاد تبیین در عرصه جنگ ترکیبی، به دنبال مفهوم‌پردازی هندسه جهاد تبیین در منظومه فکری معظم له بوده است. در این راستا تمام بیانات مرتبط ایشان بر اساس جستجوهای انجام گرفته در سایت حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای مبتنی بر روش تحلیل مضمون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و شبکه مضامین بدست آمد. بر همین اساس الگویی برای مفهوم‌سازی و تعیین سازوکارهای تحقق جهاد تبیین در پنج عرصه کلی «مبانی فکری»، «جایگاه و نقش»، «رویکردها»، «الزامات» و «بسترهای جهاد تبیین» طراحی و ارائه شد. مهم‌ترین راهبردهای تحقق جهاد تبیین که در این پژوهش و بر اساس رهنمودهای مقام معظم رهبری ارائه شد عبارتند از «جهاد تبیین با رویکرد فعالانه»، «تحدید حیطة ورود و عملکرد تبیینی»، «بصیرت‌بخشی و تفکر‌سازی»، «سازندگی و ویرانگری توأمان» و «پیش‌دستی هوشمندانه در طرح مسائل و تبیین آن‌ها».

واژگان اصلی: جهاد تبیین، جنگ ترکیبی، منظومه فکری رهبری، تبیین

^۱. استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی، تهران، ایران

^۲. دانشجوی دکتری مدیریت رسانه دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول) hojat.salim@gmail.com

مقدمه

انقلاب اسلامی پدیده‌ای مردمی است که با حضور و نقش‌آفرینی مستقیم و مستمر مردم به وجود آمده است. این حضور مردمی از ایمان قلبی به خدا و انگیزه‌های الهی نشئت گرفته و ادامه حیات این انقلاب نیز به همین حضور مؤمنانه و روشن‌بینانه مردم وابسته است فلذا می‌توان ادعا کرد که این انقلاب ماهیتاً مردمی و مؤمنانه است. نظام جمهوری برآمده از چنین انقلابی نیز طبیعتاً بر پایه همین مردمی بودن در کنار اسلامی بودن است. این دو رکن در کنار یکدیگر شاکله اساسی و ساختار اصلی حکومت اسلامی را تعیین می‌کنند. امروزه ما شاهد یک جنگ وسیع و ترکیبی با نظام جمهوری اسلامی هستیم. نظامی که با رد تمام الگوهای تمدنی غالب و مبتنی بر جهان‌بینی توحیدی شکل گرفته و ماهیتاً با الگوی استکباری حاکم بر جوامع بشری ضدیت دارد. این جنگ ترکیبی بر علیه نظام جمهوری اسلامی ایران تمام ابعاد و شئون نظامی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی را شامل می‌شود. در واقع جنگ ترکیبی کاریست همزمان و منسجم ابزارهای متنوع نبرد علیه آسیب‌پذیری‌های بازیگر هدف است به نحوی که موجب اختلال شناختی در ساختارهای تصمیم و ذهن بازیگر هدف شود (راجی و افتخاری، ۱۳۹۸).

«در جنگ ترکیبی، دشمن از رسانه استفاده می‌کند، از عامل فرهنگی استفاده می‌کند، از عامل امنیتی استفاده می‌کند، از نفوذ استفاده می‌کند، از عامل اقتصادی استفاده می‌کند؛ از همه این عوامل استفاده می‌کند برای این که ملت را در محاصره قرار بدهد، برای این که ملت را دچار یأس کند، ملت را از نیروی خودش غافل کند» (حسینی خامنه‌ای، ۱۴۰۲). در این میان آن عنصر اصلی و مرکزی که تعیین‌کننده است و بار اصلی طراحی عملیات جنگ ترکیبی دشمنان را به دوش می‌کشد، عملیات روانی در بستر رسانه‌هاست. «رسانه‌ها امروزه با عهده‌دارشدن سرگرمی، آموزش، کسب آگاهی و اطلاعات، ارتباطات فارغ از زمان و مکان و نهایتاً هم‌آفرینی تقریباً هرگونه ارزش مورد نیاز در جوامع، نقش غیرقابل انکاری را برای خود ساخته‌اند و مهم‌ترین عامل پیدایش یا اضمحلال تغییرات فرهنگی و سیاسی هستند» (سلیم و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۰۲). به خصوص فضای مجازی و رسانه‌های اجتماعی در دوران کنونی به بستری تبدیل شده‌اند که دشمنان انقلاب اسلامی از آن به عنوان ابزار اصلی پیاده‌سازی نقشه‌های شوم خود استفاده می‌کنند. با توجه به این که رسانه‌ها بستر اصلی وقوع جنگ ترکیبی هستند، از رسانه‌ها معمولاً به عنوان مهم‌ترین ابزار جنگ نرم یاد می‌کنند که بیشترین بهره‌گیری از ظرفیت آن‌ها

صورت می‌پذیرد (محمدی، ۱۳۹۲). حتی غالباً دو مفهوم جنگ نرم و جنگ رسانه‌ای را به دلیل نمود عینی آن‌ها در جامعه، هم‌طراز یکدیگر می‌دانند.

با وجود این که جنگ رسانه‌ای جزو مؤلفه‌های ثابت و همیشگی در تمام جنگ‌های بشر بوده (جلالی فراهانی و علوی‌وفا، ۱۳۹۱)، گفته شده است که این نوع جنگ به صورت رسمی از اواخر جنگ جهانی اول به عنوان حرب‌ای رانشناسانه و با هدف استعمار فکری کشورهای ستم‌دیده جهان و استثمار اقتصادی، فرهنگی و سیاسی آنان مورد استفاده قرار گرفته است (جمشیدیان و افتخاری، ۱۳۸۹) تا جایی که امروزه یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های دکترین جنگ‌های نوین، استفاده از رسانه‌های جمعی و اجتماعی برای ایجاد تهدیدهای امنیتی نرم و به دنبال آن تهدید امنیت فرهنگی و در نهایت امنیت ملی است. این امر عمدتاً به دلیل پیشرفت‌های فزاینده تکنولوژی‌های نوین ممکن گشته است. «انقلابی که در زمینه تکنولوژی ارتباطات رخ داده است، باعث شده تا دسترسی به افکار میلیون‌ها انسان و تأثیرگذاری بر آن‌ها آسان شود. همین سهولت دسترسی است که میزان تلفات را در این جنگ ارتباطی در قیاس با نبردهای نظامی گسترده‌تر کرده است. به عبارت بهتر وسایل ارتباطی از گلوله‌های سلاح‌های جنگی بسیار مرگبارترند» (تافلر، ۱۳۸۵: ۷۲). «رسانه‌های مدرن امروزی می‌توانند با بهره‌گیری از فرایند دائمی و پویا، عناصر قدرتمند فرهنگی مورد نظر از جمله باورها و مقدسات را انتقال داده و با عرضه الگوهای فکری، فرهنگ مورد نظر، شیوه تفکر، رفتار و نگرش افراد را تغییر دهند. کشورهای غربی تلاش دارند با بهره‌گیری از رسانه‌ها به صورت کاملاً سازمان‌یافته، اجباری و در جهت منافع خود به منظور حاکم‌ساختن خود بر کشور هدف شیوه‌های فکری فرهنگ خود را انتقال دهند. این انتقال فرهنگ که با تشبیه‌پذیری تناظر دارد سبب از بین رفتن کامل هویت گیرنده فرهنگ و از خودبیگانگی فرهنگی آن در برابر فرهنگ مسلط می‌شود، به طوری که فرهنگ پذیرنده که در ارتباط با فرهنگ مسلط است، با درونی‌کردن فرهنگ حاکم و پذیرش اجباری انجام هم‌زمان تغییرات بنیادین (عقیدتی و آرمانی) و ظاهری (فنی و مادی)، اصالت فرهنگ بوم خود را از دست می‌دهد. افزون بر تأثیرگذاری رسانه‌ها بر فرهنگ در الگوی مدرن امنیت، رسانه‌ها با ایجاد تحول در باورها، ارزش‌ها، اعتقادات، تصاویر، ادراکات و ذهنیات جامعه زمینه را برای اقتناع و پذیرش فراهم می‌کنند» (محمدی، ۱۳۹۲: ۱۰۶).

در این میان طرح مفهوم مترقی جهاد تبیین از سوی مقام معظم رهبری ^{مد ظله العالی} در امتداد منظومه فکری

کلان ایشان در حوزه مواجهه با جنگ ترکیبی، جنگ نرم و جنگ رسانه‌ای دشمن، بسیار مهم و راهبردی است. معظم له همواره تلاش کرده‌اند نظام فکری و فرهنگی جامعه را در برابر جنگ ترکیبی دشمنان محافظت کنند چرا که فرهنگ، نظامی است شامل باورهای بنیادین و پیش‌فرض‌های اصلی اعتقادی انسان‌ها به نظام هستی و جایگاه انسان در آن، که از درون آن، ارزش‌ها و هنجارهای زندگی استخراج می‌گردد و این نظام، رفتارهای انسان‌ها را در برابر خالق، دیگر انسان‌ها، خود و طبیعت، شکل می‌دهد و بر آن‌ها تأثیر می‌گذارد (شیخ‌نوری، ۱۳۸۶). جنگ ترکیبی دشمن و در قلب آن عملیات روانی او بر ویرانه‌های نظام فرهنگی جوامع بنا می‌شود. نظامی که افکار و اندیشه پایه‌ای، گرایش و ارزش‌ها و الگوهای رفتاری مورد قبول جوامع را شکل می‌دهد (ذوالقدر و نائینی، ۱۳۹۱). نظامی که هسته اصلی و مرکز تابنده آن در جامعه اسلامی دین اسلام است. «از نظر مقام معظم رهبری بخش عمده فرهنگ، همان عقاید و اخلاقیات یک فرد یا جامعه است. بنابراین با وجود این که مقوله فرهنگ در موارد زیادی شامل رفتارها هم می‌شود؛ لیکن اساس و ریشه فرهنگ عبارت است از عقیده و برداشت و تلقی هر انسانی از واقعیات و حقایق عالم و نیز خلقیات فردی و خلقیات اجتماعی و ملی» (سلیم، ۱۳۹۹: ۱۴). از این روست که جنگ نرم را فن فتح ذهن‌ها، فن ایجاد تغییر و دگرگونی از راه اقتناع و در نتیجه تسلط بر اندیشه افراد دانسته‌اند (لطیفی پاکده، ۱۳۹۰).

برای عمل به فریضه جهاد تبیین، نیاز هست که در مرحله ابتدایی این مفهوم به لحاظ راهبردی شناخته شود، جایگاه آن در منظومه فکری مقام معظم رهبری مد ظله العالی شناخته شود و بعد سازوکار اجرایی آن نیز بیان شود. مفهوم‌سازی از جهاد تبیین ممکن نیست مگر با مراجعه روش‌مند و علمی با منظومه فکری ایشان صورت پذیرد و اجزای اصلی و فرعی این مفهوم و روابط بین آن‌ها عیان گردد. از این رو هدف اصلی پژوهش حاضر مفهوم‌پردازی هندسه جهاد تبیین در اندیشه مقام معظم رهبری است و به دنبال ارائه پاسخ به این سؤالات است که مضامین اصلی و فرعی سازنده مفهوم جهاد تبیین در اندیشه مقام معظم رهبری چیست؟ رویکردها و سازوکارهای تحقق جهاد تبیین چیست؟ در شرایط کنونی جامعه چه راهبردهایی برای اجرای جهاد تبیین می‌تواند کارگشا باشد؟

مبانی نظری

جنگ ترکیبی

جنگ ترکیبی یک راهبرد نظامی است که از ترکیبی از روش‌های مختلف جنگیدن استفاده می‌کند. «طبق دیدگاه‌های مطرح شده در کتاب‌ها، نشریه‌های علمی و مقاله‌های نوشته شده از سوی تحلیل‌گران، استراتژیست‌ها و مقام‌های نظامی، نخستین کاربرد عملی جنگ هیبریدی در جنگ ۳۳ روزه میان حزب ... و ارائیل دیده شد و بعدها در جنگ گرجستان و اوکراین نیز به کار گرفته شد» (ثمودی پیله‌رود، ۱۳۹۹: ۱۷۵). در این نوع از جنگ باورهای دینی و سیاسی مورد حمله دشمن قرار می‌گیرد و هدف سست کردن اراده ملت و خاموش کردن شعله امید در دل جوانان است (حسینی خامنه‌ای، ۱۴۰۲). «جنگ ترکیبی به مثابه یکی از جنگ‌هایی که می‌توان آن را در زمره جنگ‌های مدرن مورد پردازش قرار داد توانایی آن را دارد تا با حمله به بازیگران هدف به ایجاد اختلال در ساختارهای حکمرانی، تصمیم و رفتار ایشان منجر شود. جمهوری اسلامی ایران به‌مثابه یکی از کشورهایی که از دیرباز در معرض ابعاد مختلف جنگ و فشار قرار داشته است در زمان کنونی نیز مورد حمله ترکیبی دشمنان قرار دارد» (راجی و مرنودی، ۱۴۰۱: ۱۲۱). برخی از روش‌های مختلف و متعددی که در جنگ ترکیبی مورد استفاده قرار می‌گیرد عبارتند از:

- جنگ سیاسی: استفاده از قدرت سیاسی برای تحت فشار قرار دادن یا تغییر دادن سیاست‌های دولت‌های دیگر.
- جنگ کلاسیک: استفاده از نیروهای نظامی معمول برای حمله یا دفاع در میدان جنگ.
- جنگ نامنظم: استفاده از نیروهای غیردولتی یا شبه‌دولتی برای انجام عملیات‌های ضدحکومت یا ضدانقلاب.
- جنگ مجازی: استفاده از فضای مجازی برای حمله به سامانه‌های رایانه‌ای یا شبکه‌های اطلاعاتی دشمن.
- خبررسانی جعلی: استفاده از رسانه‌ها یا شبکه‌های اجتماعی برای پخش اخبار دروغین یا تحریف شده به منظور تأثیرگذاری بر عقیده عمومی یا روحیه نظامیان.
- دیپلماسی: استفاده از روابط بین‌الملل برای به دست آوردن حمایت یا مخالفت با دولت‌های دیگر.

- جنگ دادگاهی: استفاده از قوانین و مقررات بین‌الملل یا داخل کشور برای شکایت یا مقابله با دولت‌های دشمن.
 - مداخله در انتخابات کشورهای خارجی: استفاده از روش‌های تقلب، تبلیغات، تحریک، تخریب، ترور و غیره برای تغییر نتایج انتخابات در کشورهای هدف.
 - برهم زدن بافت جمعیتی: استفاده از روش‌های مختلف برای تحریک، تقسیم، جابجایی یا کشتار جمعیت‌های خاص در یک کشور به منظور ضعیف کردن یکنواختی و هویت ملی آن کشور.
 - مهاجرپذیری: استفاده از جابجایی جمعیت‌های خارجی به یک کشور به منظور تغییر ترکیب فرهنگی، قومی، زبانی یا دینی آن کشور و ایجاد نارضایتی، ناسازگاری و درگیری درونی.
 - ایجاد تضاد دینی: استفاده از روش‌های مختلف برای تحریک، تقسیم، تضعیف یا نابودی گروه‌های دینی در یک کشور به منظور ایجاد درگیری، نفرت، تبعیض یا خشونت بین آن‌ها.
- «تعدادی از ویژگی‌های مرتبط با جنگ ترکیبی که در منابع و مآخذ معتبر و دست اول داخلی و خارجی به آن‌ها اشاره شده و پیرامون هر یک از آن‌ها بحث و بررسی‌های جامعه و متقن صورت پذیرفته است عبارتند از حضور عناصر عمده نیروهای منظم و نامنظم دولتی و غیردولتی، مشارکت راهبردی، فرامادنی چندوجهی، اقدام همزمان، ابزارهای چندوجهی، تهدیدات به شکل سریع و همچنین فقدان دکترین عملیاتی مشخص» (سلیمانی، ۱۴۰۰: ۱۲۷). ستاریخواه و همکاران (۱۳۹۵) مهم‌ترین عوامل مؤثر در صحنه جنگ ترکیبی علیه ایران را اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی، گسترش تروریسم و گروه‌های تکفیری، مختصات ایدئولوژیکی (آداب، رسوم، دین، فرهنگ، سنن و...)، سیال و متغیر شدن محیط جغرافیایی و تغییرات ژئوپلیتیکی، افزایش رقابت‌های تسلیحاتی، جهانی شدن و عصر اطلاعات و دانش، ظهور بازیگران غیردولتی، انقلاب کوانتومی و فناوری محو، ناهمگونی نظامی و عدم تنش‌زدایی و بی‌ثباتی رفتاری با کشورهای همسایه و همجوار می‌دانند.

جنگ نرم

انقلاب اسلامی ایران بر پایه حضور مردم شکل گرفته است. حضوری که از پایه‌های ایمانی و مبانی معرفتی مردم نشأت گرفته بود. بقا و ادامه حیات این انقلاب نیز بر پایه نقش‌آفرینی و حضور اثربخش

همین مردمی است که باور دارند برای زمینه‌سازی ظهور و تحقق اهداف اسلام همواره باید محاهدانه در صحنه حاضر باشند. به عبارت دیگر می‌توان گفت جمهوری اسلامی ایران کاملاً متکی بر جهان‌بینی و عقائد عمیق اسلامی مردم خویش است و تا این عقبه فکری و فرهنگی پابرجاست، این حرکت الهی به سمت آرمان‌ها ادامه خواهد یافت. مستکبران عالم با فهم این مهم، تمام توان و تمرکز خود را بر شکستن عزم و اراده راسخ این مردم خدایی گذاشته‌اند و در این راه مبنایی‌ترین حرکت خود را تخریب و تضعیف باورمندی مسلمانان به دین اسلام، قرار داده‌اند. مقام معظم رهبری می‌فرماید: «دشمن این‌ها را دید، دشمن این‌ها را تحلیل کرد و فهمید این ملت عقبه‌ای دارد. فهمید تا آن عقبه هست، این ملت را با محاصره اقتصادی و با محاصره نظامی و یا چه و چه، نمی‌شود به زانو درآورد. پس، آن عقبه را باید بمباران کرد؛ فرهنگ او را، اخلاق او را، ایمان او را، ایثار او را، اعتقاد به دین او را، اعتقاد به رهبری او را، اعتقاد به قرآن و جهاد و شهادت او را؛ این‌ها را باید از بین برد» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۷۱). به عبارت دیگر می‌توان گفت: «اعتقادات و باورها اساس حرکت یک جامعه به شمار می‌رود. هر انسان بنا بر باورهای اعتقادی خود به زندگی‌اش شکل می‌دهد. بدین ترتیب، اگر کسانی بخواهند در مسیر حرکت یک ملت و جامعه مانع یا تغییر ایجاد کنند، بهترین گزینه، جابجایی در اذهان و دگرگونی باورهاست» (محمدی، ۱۳۹۲: ۱۰۸). بدین گونه بود که عرصه جنگ نرم با تمام شدت بر روی مردم ایران گشوده شد. جنگ نرم در حقیقت استفاده دقیق، یکپارچه و نظام‌مند از ابزارهای فرهنگی و ارتباطی به صورت آشکار یا پنهان با هدف ایجاد تردید در مبانی و زیرساخت‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی نظام مستقر و بازمهندسی افکار و ادراک جامعه و در نهایت فروپاشی درونی نظام سیاسی است. وزارت دفاع آمریکا نیز جنگ نرم را این گونه تعریف می‌کند: «جنگ نرم، استفاده دقیق و طراحی شده از تبلیغات و دیگر اعمالی است که منظور اصلی آن، تأثیرگذاری بر عقاید، احساسات، تمایلات و رفتار دشمن، گروه بی‌طرف یا گروه‌های دولت است، به گونه‌ای که برای برآوردن مقاصد و اهداف ملی پشتیبان باشد» (حیدری‌نسب و کیخا، ۱۳۹۷: ۱۶).

جنگ رسانه‌ای

با توجه به این که رسانه‌ها بستر اصلی وقوع جنگ نرم هستند، از رسانه‌ها معمولاً به عنوان مهم‌ترین ابزار

جنگ نرم یاد می‌کنند که بیشترین بهره‌گیری از ظرفیت آن‌ها صورت می‌پذیرد (محمدی، ۱۳۹۲). حتی غالباً دو مفهوم جنگ نرم و جنگ رسانه‌ای را به دلیل نمود عینی آن‌ها در جامعه، هم‌پراز یکدیگر می‌دانند (جلالی فراهانی و علوی‌وفا، ۱۳۹۱). در هر صورت یکی از برجسته‌ترین جنبه‌های جنگ نرم، جنگ رسانه‌هاست. با وجود این که جنگ رسانه‌ای جزو مؤلفه‌های ثابت و همیشگی در تمام جنگ‌های بشر بوده، گفته شده است که این نوع جنگ به صورت رسمی از اواخر جنگ جهانی اول به عنوان حربه‌ای روانشناسانه و با هدف استعمار فکری کشورهای ستمدیده جهان و استثمار اقتصادی، فرهنگی و سیاسی آنان مورد استفاده قرار گرفته است (جمشیدیان و افتخاری، ۱۳۸۹). تا جایی که امروزه یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های دکترین جنگ‌های نوین، استفاده از رسانه‌های جمعی و اجتماعی برای ایجاد تهدیدهای امنیتی نرم و به دنبال آن تهدید امنیت فرهنگی و در نهایت امنیت ملی است. این امر عمدتاً به دلیل پیشرفت‌های فزاینده تکنولوژی‌های نوین ممکن گشت است. «انقلابی که در زمینه تکنولوژی ارتباطات رخ داده است، باعث شده تا دسترسی به افکار میلیون‌ها انسان و تأثیرگذاری بر آن‌ها آسان شود. همین سهولت دسترسی است که میزان تلفات را در این جنگ ارتباطی در قیاس با نبردهای نظامی گسترده‌تر کرده است. به عبارت بهتر وسایل ارتباطی از گلوله‌های سلاح‌های جنگی بسیار مرگبارترند» (تافلر، ۱۳۸۵: ۷۲). «رسانه‌های مدرن امروزی می‌توانند با بهره‌گیری از فرایند دائمی و پویا، عناصر قدرتمند فرهنگی مورد نظر از جمله باورها و مقدسات را انتقال داده و با عرضه الگوهای فکری فرهنگ مورد نظر، شیوه تفکر، رفتار و نگرش افراد را تغییر دهند. کشورهای غربی تلاش دارند با بهره‌گیری از رسانه‌ها به صورت کاملاً سازمان‌یافته، اجباری و در جهت منافع خود به منظور حاکم‌ساختن خود بر کشور هدف شیوه‌های فکری فرهنگ خود را انتقال دهند. این انتقال فرهنگ که با تشبیه‌پذیری تناظر دارد سبب از بین‌رفتن کامل هویت گیرنده فرهنگ و از خود بیگانگی فرهنگی آن در برابر فرهنگ مسلط می‌شود، به طوری که فرهنگ پذیرنده که در ارتباط با فرهنگ مسلط است، با درونی کردن فرهنگ حاکم و پذیرش اجباری انجام همزمان تغییرات بنیادین (عقیدتی و آرمانی) و ظاهری (فنی و مادی)، اصالت فرهنگ بوم خود را از دست می‌دهد. افزون بر تأثیرگذاری رسانه‌ها بر فرهنگ در الگوی مدرن امنیت، رسانه‌ها با ایجاد تحول در باورها، ارزش‌ها، اعتقادات، تصاویر، ادراکات و ذهنیات جامعه زمینه را برای اقتناع و پذیرش فراهم می‌کنند» (محمدی، ۱۳۹۲: ۱۰۶).

مهندسی فرهنگی

«مهندسی فرهنگی یعنی طراحی و تدوین نقشه‌ای مطلوب و جامع برای اصلاح، تکمیل و ارتقای فرهنگ جامعه. نقشه‌ای که بتواند چیرستی و چگونگی فرهنگ را تبیین کند و نه تنها راهبردهای اساسی و کلان که راهکارهای عملیاتی و وحدت‌بخش را در عرصه اصلاح فرهنگ ارائه نماید» (کریمی تبار، ۱۳۸۹: ۱۵۴). برنامه‌ریزی فرهنگی بدون توجه به تحولات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی مؤثر و مقدور نخواهد بود. در مهندسی فرهنگی باید به عوامل مؤثر بر اعتلا یا افول فرهنگ عمومی بپردازیم. شخصیت‌های فرهنگ‌ساز، رسانه‌ها، ابزار و صنایع فرهنگی، نهادهای فرهنگی، فرهنگ مجازی، ابزار و تکنولوژی ارتباطی روز از جمله عوامل مؤثر بر اعتلا و افول فرهنگ عمومی هستند که باید در مهندسی فرهنگی مورد لحاظ قرار بگیرد (ابراهیمی، ۱۳۸۵). «مهندسی فرهنگی از طریق فرهنگ‌سازی برای هنجارها و ارزش‌ها، بازسازی و تقویت آن‌ها صورت می‌گیرد. هنجارها و ارزش‌ها نیز در سرمایه‌های فرهنگی هر ملتی نهفته است» (میرجلیلی، ۱۳۸۶: ۴۵). این مفهوم با مفهوم مهندسی فرهنگ قرابت بسیاری دارد اما در عین حال واجد تفاوت‌هایی نیز هست. «منظور از مهندسی فرهنگ فرایند بازشناسی، آسیب‌شناسی، پالایش و ارتقاءبخشی فرهنگ و جهت‌دهی آن بر پایه هویت اصیل اسلامی-ایرانی با توجه به شرایط و مقتضیات ملی و جهانی است. مهندسی فرهنگ یعنی شناخت دقیق اجزاء سه‌گانه فرهنگ (ارزش‌ها و نگرش‌های اساسی، باورها و نمادها) و طراحی، نوسازی و بازسازی مجدد آن‌ها، به گونه‌ای که ارتباط منطقی و موزون بین آن‌ها برقرار باشد» (ناظمی اردکانی و شعبانی سارویی، ۱۳۹۱: ۲۰۸).

روش پژوهش

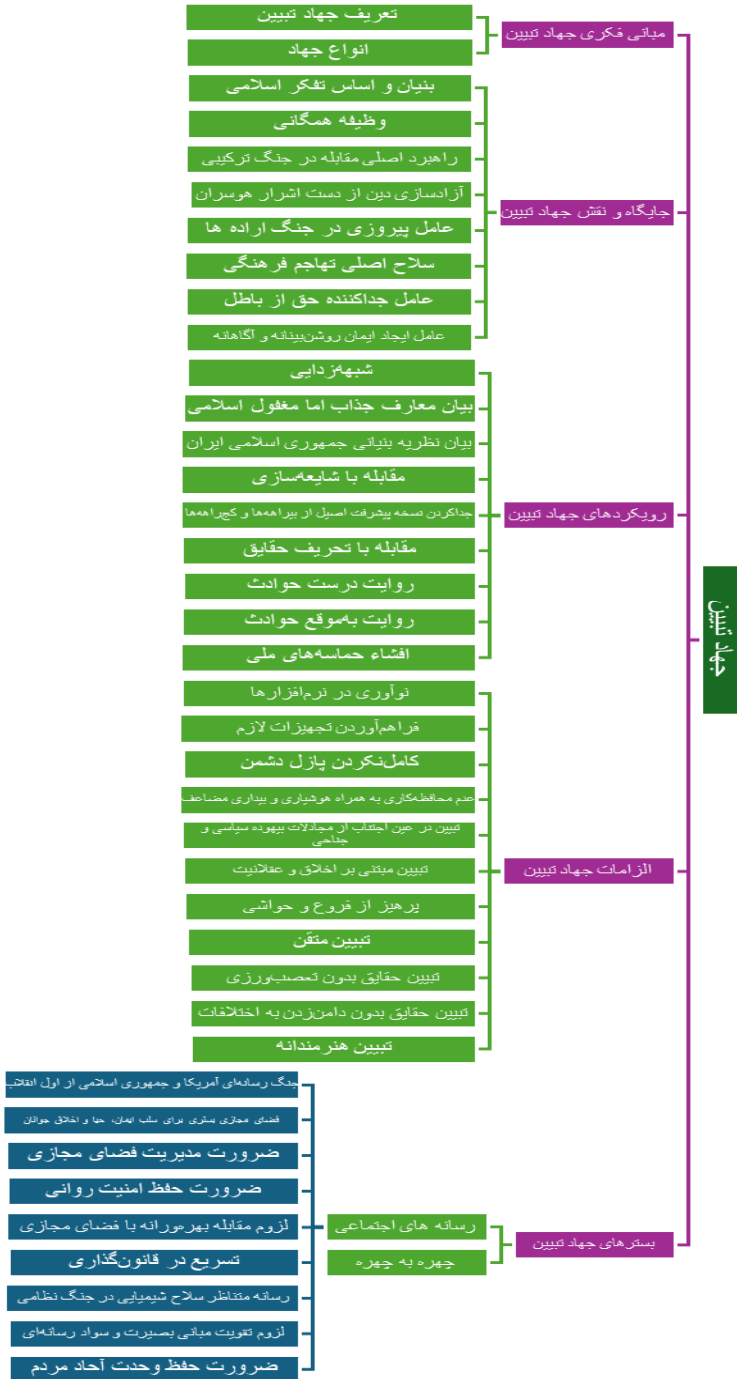
این پژوهش با هدف شناسایی و تدوین مضامین اصلی و فرعی جهاد تبیین و سازوکارهای تحقق آن، پژوهشی است اکتشافی که قصد دارد با رجوع به بیانات مقام معظم رهبری مد ظله العالی به هدف خود دست یابد. بر این اساس لازم بود تا از روش‌های تحلیل متن استفاده شود و از بین روش‌های مختلف، روشی که بتواند این هدف را تأمین کند، روش تحلیل مضمون بود. این روش با رویکردی استقرایی می‌تواند با رجوع به متون مختلف و کدگذاری آن‌ها، مضامین اصلی را شناسایی و دسته‌بندی کند.

برای تجزیه و تحلیل داده‌های موجود و کدگذاری آنان، طبق روش تحلیل مضمون ابتدا با غوطه‌ور شدن در داده‌ها به بازخوانی مکرر داده‌ها پرداخته و معانی و الگوهای برجسته شناسایی شد. پس از تسلط نسبی بر داده‌ها کدهای اولیه به تدریج مشخص شدند. در مرحله بعدی کدهای اولیه تجزیه و تحلیل شده و به نحوی ترکیب و تلفیق شدند تا مضامین پایه شکل بگیرند. با افزایش سطح انتزاع کدگذاری و تلاش برای کشف الگوهای نظام بخش مضامین پایه، مضامین سازمان‌دهنده نمایان شدند. در بخش پایانی تحلیل به مضامین فراگیر دست یافتیم که به عنوان مضامین عالی دربرگیرنده اصول حاکم بر متن، در کانون شبکه مضامین قرار دارند.

گوبا و لینکلن (۱۹۸۹) برای پژوهش کیفی، معیار اعتبار را معادل روایی درونی، انتقال را معادل روایی بیرونی، اعتماد را معادل پایایی و تأیید را معادل عینیت در پژوهش‌های کمی می‌دانند. علاوه بر موارد مذکور اصالت نیز از معیارهای تحقیق کیفی است. بر همین اساس در این پژوهش نیز سعی شده است که بوسیله درگیری پیوسته و طولانی مدت، پرهیز از نتیجه‌گیری زود هنگام، ایجاد ذهنیت پیش‌رونده در پژوهشگر، پوشش کامل و همه‌جانبه موضوعات و بحث‌های مکفی پیرامون آن‌ها، بازنگری مداوم اعضای تیم پژوهشی و مشاورین پژوهش، مراجعات مکرر به اسناد و کدگذاری‌ها، مستندسازی بخش‌های مختلف فرایند پژوهش تا حد مطلوبی معیارهای فوق را رعایت کنیم.

یافته‌های پژوهش

طبق بررسی بیانات مقام معظم رهبری مد ظله العالی در طول سالیان متمادی و اجرای فرایندهای کدگذاری، شبکه مضامین زیر برای فهم دقیق جهاد تبیین در اندیشه مظم له به دست آمد. در ادامه تک تک مضامین اصلی و فرعی این مفهوم بر اساس مدل ارائه‌شده توضیح داده می‌شود.



(۱) مبانی فکری جهاد تبیین

(۱.۱) تعریف جهاد تبیین

«جهاد یعنی تلاش در مقابله با دشمن؛ هر تلاشی جهاد نیست. خیلی‌ها تلاش میکنند، تلاشهای علمی زیادی میکنند، تلاشهای اقتصادی میکنند که خوب و به‌جا است، اما جهاد نیست. جهاد یعنی تلاشی که هدف‌گیری در مقابل دشمن در آن وجود داشته باشد؛ این جهاد است» (۱۴۰۰/۱۱/۰۳). جهاد با جهد و تلاش از لحاظ ریشه یکی هستند. یعنی در آن معنای جهد و کوشش وجود دارد اما جهاد فقط این نیست بلکه جهاد یعنی مبارزه. «در زبان فارسی، جنگ و ستیزه‌گری معنای مبارزه را نمی‌دهد. می‌گویی من دارم مبارزه می‌کنم: مبارزه علمی می‌کنم، مبارزه اجتماعی می‌کنم، مبارزه سیاسی می‌کنم، مبارزه مسلحانه می‌کنم؛ همه این‌ها مبارزه است و معنا دارد. مبارزه یعنی تلاش پُر نیرو در مقابل یک مانع یا یک دشمن. اگر هیچ مانعی در مقابل انسان نباشد، مبارزه وجود ندارد. در جاده آسفالته، انسان پایش را روی گاز بگذارد و با باک پُر از بنزین سفر کند؛ این را مبارزه نمی‌گویند. مبارزه آنجایی است که انسان با مانعی برخورد کند، که این مانع در جبهه‌های انسانی، می‌شود دشمن و در جبهه‌های طبیعی، می‌شود موانع طبیعی. اگر انسان با این موانع درگیر شود و سعی کند آن‌ها را از میان بردارد، این می‌شود مبارزه. جهاد در زبان عربی عیناً به همین معناست؛ یعنی مبارزه. جهاد در قرآن و حدیث هم به همین معناست؛ همه جا به معنای جنگ مسلحانه نیست. البته یک جا با جنگ مسلحانه تطبیق می‌کند، یک جا هم با جنگ غیر مسلحانه تطبیق می‌کند» (۱۳۸۳/۷/۲۰).

از سوی دیگر «تبیین به عنوان یک روش هدایت و تربیت یعنی چیزی را برای کسی ایضاح و روشن کردن. علامه طباطبایی مراد از تبیین را کشف و پرده‌برداری از علل و احکام و قوانین و روشنگری اصول و معارف علوم ذکر می‌کند. در فرهنگ عمید، تبیین به معنای بیان کردن، آشکارساختن و توضیح دادن است و معادل انگلیسی آن (Explanation) به معنای روشن کردن و شرح و توضیح دادن است. در بیانی دیگر گفته شده است که مراد از تبیین در درجه اول، پاسخ به سؤال «چرایی» است و علت‌پدیدار را بیان می‌کند» (وجدانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۷۳).

تبیین آگاهی‌بخشی به سطوح مختلف جامعه، با هدف افزایش عمق فهم و دانایی فعال افراد است. منظور از دانایی فعال، نوعی از آگاهی است که در مواجهه با جهان غبارآلود و پر از شبهه کنونی،

کاربردی و راهگشا باشد و نه توده‌ای از گزاره‌های خشتی و منفعل و انباشته‌شده در ذهن. جهاد تبیین با دادن اطلاعات مبنایی به مخاطبین، موجب عمق‌بخشی به دانایی جامعه و بالابردن سطح آگاهی شهروندان در رابطه با موضوعات مهم و مطرح‌شده و در عمل یک سپر امنیتی در مقابل شبهه‌ها و اطلاعات ناقص ارائه شده از سوی فضای ولنگار مجازی و رسانه‌های معاند ایجاد می‌کند.

پیوند مفهوم جهاد با مقوله تبیین به این علت است که جامعه امروز به شدت و در حجم بالا نیازمند به تبیین یا همان عمق‌بخشی به دانایی افراد است، امری که با روندهای عادی ممکن نخواهد بود و در نتیجه برای توسعه دانش کاربردی مخاطبین و ایجاد یک دیوار دفاعی برای تامین امنیت ذهنی مردم باید به صورت فوق‌العاده عملیات صورت بگیرد. این قربانیان با دریافت و قبول شبهات و اخبار دروغ و یا ناقص ارائه شده در تهاجم نرم، دچار تضاد در باورها، عداوت با اسلام و انقلاب و نظام، افسردگی و سرخوردگی شده و سپس این احساسات را با رفتار و کنش‌های اجتماعی خود در جامعه توزیع می‌کند. از این رو جهاد تبیین می‌تواند با آگاهی‌بخشی به موقع به افراد، این روند را متوقف و با افزایش قدرت تشخیص مانع از موفقیت تهاجم نرم دشمن و تبدیل افراد جامعه به پیاده نظام جنگ ادراکی دشمن شود. از دیگر نتایج انجام جهاد تبیین پی‌بردن افراد به جایگاه و ارزش نظام و انقلاب اسلامی و شناخت دستاوردها و موفقیت‌های انقلاب و جمهوری اسلامی است و از این طریق، نوعی تبیین هویتی هم در بطن جهاد تبیین رخ می‌دهد که ماحصل آن احساس رضایت نسبی از خود و جامعه و کسب سرزندگی برای اصلاح معضلات و مشکلات جامعه خواهد بود. امری که تأثیرات مثبت فراوانی بر جامعه خواهد داشت (کوشکی، ۱۴۰۱)

۱.۲ انواع جهاد

در نگاه مقام معظم رهبری ^{مد ظله العالی} مفهوم جهاد ماهیتاً به چهار نوع قابل تفکیک است که عبارتند از جهاد اصغر، جهاد اکبر، جهاد کبیر و جهاد تبیین.

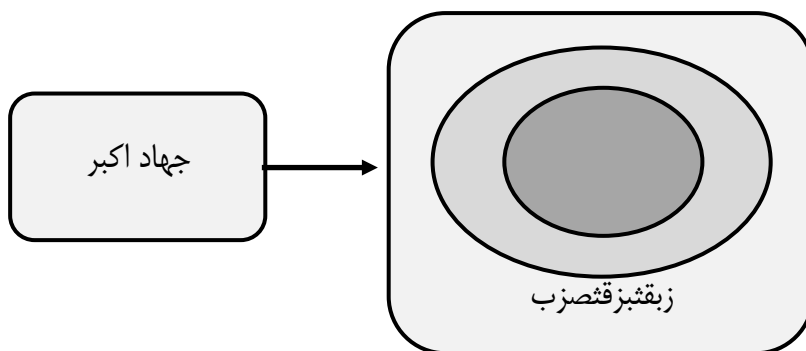
«جهاد اکبر که از همه سخت‌تر است، جهاد با نفس است، همان چیزی است که هویت ما را، باطن ما را حفظ می‌کند. جهاد اصغر، مجاهدت با دشمن است» (۱۳۹۵/۰۳/۰۳). به عبارت دیگر جهاد اکبر یعنی مبارزه با شهوات و لذت‌طلبی و راحت‌طلبی و افزون‌طلبی و اخلاق ناشایسته در وجود آدمی کارهای

زشت و ادار کند و جهاد اصغر، همان مجاهدت با دشمن در میدان‌های مبارزه و نبرد است. اما نکته اصلی اینجاست که جهاد اکبر لازمه و مقدمه حتمی برای وقوع جهاد اصغر است. «مجاهدت در راه خدا یعنی یک مبارزه درونی؛ هر جهاد بیرونی، در واقع تکیه دارد به یک جهاد درونی؛ یعنی آن مردی که می‌رود جلوی دشمن و واهمه نمی‌کند و در همه میدانها نه خستگی می‌فهمد، نه سرما می‌فهمد، نه گرما می‌فهمد، این اگر چنانچه در درون خودش در آن جهاد اکبر پیروز نشده بود، این جور نمیتوانست جلوی دشمن برود؛ پس مجاهدتهای بیرونی، متکی به مجاهدتهای درونی است» (۱۳۹۷/۱۰/۱۳).

معظم له معتقدند که یکی از انواع مهم مجاهدت با دشمن (جهاد اصغر) جهاد کبیر نام دارد. جهاد کبیر یعنی ایستادگی، مقاومت و عدم تبعیت. «یعنی اطاعت نکردن از دشمن، از کافر؛ از خصمی که در میدان مبارزه‌ی با تو قرار گرفته اطاعت نکن. اطاعت یعنی چه؟ یعنی تبعیت؛ تبعیت نکن. تبعیت نکردن در کجا؟ در میدانهای مختلف؛ تبعیت در میدان سیاست، در میدان اقتصاد، در میدان فرهنگ، در میدان هنر. در میدانهای مختلف از دشمن تبعیت نکن؛ این شد جهاد کبیر» (۱۳۹۵/۰۳/۰۳).

از نظر مقام معظم رهبری مد ظله العالی جهاد تبیین مقدمه و مبنای جهاد کبیر است. یعنی عدم تبعیت از کفار و مهم‌تر از آن تعقیب راه انقلاب، تحکیم اسلام و دین خدا وابسته به جهاد تبیین است. «وظیفه‌ی تبیین، امروز بر دوش همه است؛ از جمله بر دوش شما. اینکه بنده روی تبیین این همه تکیه میکنم، برای خاطر این است که امروز این جهاد کبیر به میزان زیادی متوقف به تبیین است؛ تبیین، بیان کردن، روشنگری؛ امروز روشنگری لازم است. سعی کنید ذهنها را با عمق‌یابی، به اعماق حقایق و مسائل برسانید» (۱۳۹۵/۰۳/۰۳).

بنابراین می‌توان اینگونه نتیجه گرفت که جهاد تبیین، در زمینه مفهوم کلی‌تر جهاد اصغر و در ذیل مفهوم جهاد کبیر تجلی می‌یابد.



۲) جایگاه و نقش جهاد تبیین

۲.۱) بنیان و اساس تفکر اسلامی

«تبیین اساس کار ما است. ما با ذهنها مواجهیم، با دلها مواجهیم؛ باید دلها قانع بشود. اگر دلها قانع نشد، بدنها به راه نمی‌افتد، جسمها به کار نمی‌افتد؛ این فرق بین تفکر اسلامی و تفکرات غیر اسلامی است» (۱۳۹۵/۴/۱۲). برای مبارزه در راه اسلام نیز باید تبیین را در مرکز توجه قرار داد. «در مبارزات اسلامی، در همه حال تبیین - بیان واقعیت و رساندن واقعیت؛ تبلیغ، بالغ - خیلی اهمیت دارد و این را نباید از دست داد» (۱۳۸۷/۲/۱۴).

۲.۲) وظیفه همگانی

باید به خاطر داشت که تبیین یک وظیفه همگانی است و همه در این زمینه مسئول هستند. «آنچه وظیفه همه ملت اسلام و همه امت اسلام است، مبارزه برای روشنگری است؛ این در درجه اول. هم علما مسئولند، هم روشنفکران مسئولند، هم تحصیلکرده‌ها مسئولند، هم همه کسانی که منبری دارند، تربیونی دارند مسئولند که روشنگری کنند و حقایق دنیای اسلام را برای مردمی که نمی‌دانند بیان کنند؛ این روشنگری جهاد است. جهاد فقط شمشیر گرفتن و جنگ کردن در میدان قتال نیست؛ جهاد شامل جهاد فکری، جهاد عملی، جهاد تبیینی و تبلیغی و جهاد مالی است. امروز به خاطر این که این فریضه را - فریضه تبیین را - ما درست انجام ندادیم، یک عده‌ای دچار گمراهی‌اند و به خیال این که برای اسلام دارند کار می‌کنند، علیه اسلام دارند کار می‌کنند» (۱۳۹۵/۰۲/۲۹).

۲.۳) راهبرد اصلی مقابله در جنگ ترکیبی

«بله، در جنگ ترکیبی، حمله نظامی نیست اما حمله به باورهای دینی و سیاسی است؛ حمله‌ی دشمن به باورهای دینی و باورهای سیاسی است. وسوسه می‌کند، حقایق را دگرگون نشان میدهند؛ هدفشان سست کردن اراده‌ی ملت است، هدفشان خاموش کردن امیدها است، میخواهند شعله‌ی امید را در دل جوانان ما خاموش کنند، جوان را مأیوس کنند. در جنگ ترکیبی، دشمن از رسانه استفاده میکند، از عامل فرهنگی استفاده میکند، از عامل امنیتی استفاده میکند، از نفوذ استفاده میکند، از عامل اقتصادی استفاده میکند؛ از همه‌ی این عوامل استفاده میکند برای اینکه ملت را در محاصره قرار بدهد، برای اینکه ملت را

دچار یأس کند، ملت را از نیروی خودش غافل کند» (۱۴۰۲/۱/۱).

۲.۴ عامل پیروزی در جنگ اراده‌ها

«معنای جنگ نامتقارن این است که دو طرف جنگ از منابع مختلف‌الحالی، با هویت‌های مختلف برخوردارند؛ این جنگ نامتقارن است؛ یعنی هر کدام از این دو طرف امکاناتی دارند، منابع قدرتی دارند که طرف دیگر آن را ندارد. ما با استکبار جهانی در حال جنگ نامتقارنیم. در جنگ نامتقارن اراده‌ها هستند که با هم می‌جنگند؛ هر اراده‌ای غلبه پیدا کرد، پیروز خواهد شد. در میدان، اراده را ضعیف نکنید؛ در میدان نبرد، اراده را دچار تزلزل نکنید؛ اگر یک طرف جنگ در میدان نبرد اراده‌اش سست شد، قطعاً شکست خواهد خورد. نگذارید اراده‌تان سست بشود، نگذارید تبلیغات دشمن و وسوسه‌های دشمن، در اراده و عزم راسخ شما تزلزل ایجاد کند؛ این اراده‌ی مستحکم را نگه دارید؛ این ضامن پیروزی است» (۱۳۹۵/۰۳/۰۳).

۲.۵ سلاح اصلی تهاجم فرهنگی

از نظر مقام معظم رهبری بخش عمده فرهنگ، همان عقاید و اخلاقیات یک فرد یا جامعه است. بنابراین با وجود این که مقوله فرهنگ در موارد زیادی شامل رفتارها هم می‌شود؛ لیکن اساس و ریشه فرهنگ عبارت است از عقیده و برداشت و تلقی هر انسانی از واقعیات و حقایق عالم و نیز خلقیات فردی و خلقیات اجتماعی و ملی. تهاجم فرهنگی به این معناست که دشمن از طرق مخصوص خود، حمله به امهات عقاید و پایه‌های فرهنگی جامعه را شروع کند، تا آن‌ها را در دل سست کند. نتیجه چنین امری این خواهد شد که جوان مؤمن فداکار با اراده و با قدرت تصمیم‌گیری که مثل گلوله سوزانی به سمت سینه دشمن حرکت می‌کرد به یک موجود پشیمان، متزلزل، مردد، منفعل و احیاناً پشت به جبهه کرده تبدیل می‌شود. «چرا امروز جنگ نرم علیه ما این قدر سخت است؟ علت، این است که ما قوی شده‌ایم؛ ما قوی شده‌ایم. امروز جبهه‌ی حق از لحاظ زیرساخت‌ها، از لحاظ امکانات قوی شده. امروز چالش دشمن با جبهه‌ی حق آسان نیست، کار دشواری است؛ لذاست که به جنگ نرم متوسل میشوند و همه‌ی تلاش خودشان را میکنند که ذهنیات را خراب کنند؛ این به خاطر قدرت و قوت ما است... خوب حالا چه کار کنیم در مقابل این حرکت دشمن؟ جهاد تبیین» (۱۴۰۰/۱۲/۱۹).

۲.۶ آزادکننده دین از دست اشرار هوسران

«اگر جهاد تبیین بدرستی صورت نگیرد، دنیامداران حتی دین را هم وسیله‌ی هوسرانی و شهوترانی

خودشان قرار خواهند داد؛ یعنی اگر من و شما کارمان را درست انجام ندهیم، آن که برایش صرفاً دنیا مطرح است - دنیای شخص خودش، یعنی هوسهای خودش، آرزوهای خودش، خواسته‌های شخصی خودش - حتی دین را هم در خدمت خواهد گرفت. این جمله در نامه‌ی معروف امیرالمؤمنین (علیه الصلوة و السلام) به جناب مالک اشتر است» (۱۴۰۰/۱۲/۱۹).

۲۷) عامل جداکننده حق از باطل

از منظر مقام معظم رهبری دشمن سه هدف مرحله‌ای و مقطعی را تعقیب می‌کند. اول تخریب وحدت ملی؛ دوم، تخریب ایمان و باورهای کارساز در دل مردم؛ سوم، تخریب روح امید و تخریب آینده در ذهن مردم (۱۳۷۸/۹/۲۶). حال در مقابل این حرکت کینه‌ورزانه و حساب‌شده، راهکار تبیین است. تبیین است که می‌تواند جداکننده جبهه حق از باطل باشد. «وقتی شما میبینید یک حرکتی به بهانه انتخابات شروع میشود، بعد یک عامل دشمنی در این فضای غبارآلوده وارد میدان شد، وقتی میبینید عامل دشمن - که حرف او، شعار او حاکی از مافی‌الضمیر اوست - آمد توی میدان، اینجا باید خط را مشخص کنید، اینجا باید مرز را روشن کنید. همه وظیفه دارند؛ بیشتر از همه، خواص و در میان خواص، بیشتر از همه، آن کسانی که مستمعین بیشتری دارند، شنوندگان بیشتری دارند. این وظیفه است» (۱۳۸۷/۱۰/۲۹).

۲۸) عامل ایجاد ایمان روشن‌بینانه و آگاهانه

«در قبال این حرکت گمراه‌کننده‌ای که از صد طرف به سمت ملت ایران سرازیر است و تأثیرگذاری بر افکار عمومی که یکی از هدف‌های بزرگ دشمنان ایران و اسلام و انقلاب اسلامی است و دچار ابهام نگه‌داشتن افکار و رهاکردن اذهان مردم و بخصوص جوان‌ها، «حرکت تبیین» خشی‌کننده این توطئه دشمن و این حرکت دشمن است» (۱۴۰۰/۷/۵). «تبیین آگاهی‌بخشی به سطوح مختلف جامعه، با هدف افزایش عمق فهم و دانایی فعال افراد است. منظور از دانایی فعال، نوعی از آگاهی است که در مواجهه با جهان غبارآلود و پر از شبهه کنونی، کاربردی و راهگشا باشد و نه توده‌ای از گزاره‌های خشتی و منفعل و انباشته‌شده در ذهن. جهاد تبیین با دادن اطلاعات مبنایی به مخاطبین، موجب عمق‌بخشی به دانایی جامعه و بالابردن سطح آگاهی شهروندان در رابطه با موضوعات مهم و مطرح‌شده و در عمل یک سپر امنیتی در مقابل شبهه‌ها و اطلاعات ناقص ارائه شده از سوی فضای ولنگار مجازی و رسانه‌های معاند ایجاد می‌کند» (کوشکی، ۱۴۰۱: ۳۶).

۳) رویکردهای جهاد تبیین

۳.۱) شبهه‌زدایی

«جهاد تبیین را جدی بگیرید، شبهه‌زدایی از ذهن مخاطبین را جدی بگیرید. شبهه از جمله‌ی چیزهایی است که عرض کردیم مثل موربانه است؛ دشمن به این موربانه‌ها دل بسته. شبهه ویروس است، مثل همین ویروس کرونا؛ وقتی که وارد شد، خارج شدنش مشکل است، جزو بیماری‌های مسری هم هست، سرایت هم می‌کند» (۱۴۰۱/۵/۵).

۳.۲) بیان معارف جذاب اما مغفول اسلامی

«به نظر من امروز آن چیزی که میتواند به بهترین وجهی به صورت یک سلاح مؤثری عمل کند، تبیین مفاهیم عالی اسلامی است در زمینه‌های مختلف. ما در زمینه‌ی مسائل معرفتی، مسائل معارفی، حرف‌های نگفته زیاد داریم؛ حرف‌های قابل گفتنی که برای دنیا جذاب و شیرین است، زیاد داریم. در زمینه مسائل مربوط به سبک زندگی اسلامی، ما خیلی حرف نگفته داریم.» (۱۴۰۰/۱۲/۱۹).

۳.۳) بیان نظریه بنیانی جمهوری اسلامی ایران

«وظیفه عمومی حوزه‌ها و وظیفه یک‌ایک افراد و فضلا در حوزه‌های مختلف و همچنین علما و روحانیون آگاه و روشنفکری که در سراسر کشور در شهرهای مختلف هستند، امروز این است که فکر اساسی و نظریه بنیانی مربوط به جمهوری اسلامی را که همان نظریه حاکمیت اسلام در همه امور زندگی و شئون بشری است با استدلال با منطق با ملاحظه جوانب گوناگون این مسئله تبیین کنند» (۱۳۸۰/۰۶/۱۹).

۳.۴) مقابله با شایعه‌سازی

«از جمله کارهایی که مردم میتوانند به بهترین وجهی در خدمت به کشور انجام بدهند، حضور در صحنه‌های انقلاب است؛ از جمله‌ی کارهایی که مردم میتوانند انجام بدهند، مواجهه و مقابله با شایعه‌سازی دشمن است. امروز یکی از شگردهای فعال دشمن، شایعه‌سازی است که مردم را مضطرب کند، مردم را با هم مخالف کنند، علیه این و آن تهمت بزنند، مردم را به جان یکدیگر بیندازند. مردم در مقابل این تبلیغات ایستادگی کنند، علیه این تبلیغات حرکت کنند. جوان‌ها امروز در فضای مجازی فعالند؛ فضای مجازی می‌تواند ابزاری باشد برای زدن توی دهن دشمنان» (۱۳۹۷/۱۰/۱۹). کشورهای

غربی در سالیان متمادی علیه اسلام، تشیع و ایران سیاه‌نمایی و شایعه‌سازی کرده‌اند. عمده اهداف آنان از این امر را می‌توان منفور نشان‌دادن دین مبین اسلام، جلوگیری از به چالش کشیده‌شدن فرهنگ لیبرال دموکراسی توسط اسلام و گرایش مردم غرب به این دین، حضور نظامی در منطقه، ایجاد اختلاف بین کشورهای اسلامی و حفظ امنیت متحدان منطقه‌ای، جلوگیری از الگوشدن ایران اسلامی برای کشورهای منطقه و منفور نشان‌دادن مذهب تشیع، جلوگیری از نفوذ منطقه‌ای ایران و ایجاد تریبیات امنیتی ضد ایرانی و تلاش برای ایجاد تغییرات در ساختار و یا رفتار ایران و ایجاد اختلاف در جامعه ایران دانست (عابدینی و قلخانباز، ۱۳۹۵).

۳.۵) جداکردن نسخه پیشرفت اصیل از بیراهه‌ها و کج‌راهه‌ها

«بایستی در جهاد تبیین، راه پیشرفت و تعالی مادی ملت از بیراهه‌ها و کج‌راهه‌ها جدا بشود؛ یکی از مسائل مهم این است. این مهم است؛ این راه صحیح از کج‌راهه و بیراهه بایستی جدا بشود، روشن بشود؛ در جهاد تبیین، این معنا مهم است» (بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۴۰۰/۱۲/۱۹).

۳.۶) مقابله با تحریف حقایق

«از اوایل انقلاب، یکی از اهداف مهم دشمن، تحریف حقایق و تاریخ بود. انسان‌ها تابع بیانش و دید خودشان هستند. اگر کسی بتواند حقایق را در چشم مردم تحریف کند، یعنی در واقع عمل و بازو و اراده مردم را به سمت گمراهی کشانده است. این همان چیزی است که دشمن میخواهد. امروز همه افراد مسؤ‌ولند و اگر دیدند حقایق و محک‌مات اسلام و انقلاب مورد تحریف قرار می‌گیرد، وظیفه دارند تبیین کنند؛ نباید سکوت کنند. امام به این نکته بسیار توجه می‌کرد. و این یکی از چیزهایی است که راز استحکام و ماندگاری و پایداری نظام در آن مندرج است» (۱۳۸۰/۳/۱۴). «یکی از الگوهای جهاد تبیین که بسیار عالمانه باید انجام گیرد افشاگری است. در اوج فتنه‌ها که مردم در دام سحر ساحران افتاده و چوب‌ها و ریسمان‌های ساحران را چون عصای موسی می‌شمارند، افشاگری عالمانه حضرت زهرا (س) بود که همچون تیغ، بند بند دام‌های گسترده دشمن را بریده و با افشای چهره زشت جریان فتنه و تبیین عملکرد گذشته و حال آن‌ها، مردم را از افتادن در دامشان مصون می‌داشت» (زنگویی، ۱۴۰۰: ۲۰).

۳.۷) روایت درست حوادث

«نباید اجازه داد که انگیزه‌های خباثت‌آلودی که قصد دارند مقاطع عزیز و اثرگذار و مهم را از یادها ببرند،

موفق بشوند؛ البته موفق هم نخواهند شد. تا ملت‌ها زنده‌اند، تا زبان‌های حق گو در کار است، تا دل‌های مؤمن دارای انگیزه هستند، نخواهند توانست این را به فراموشی بسپارند؛ همچنان‌که نتوانسته‌اند.... عرض کردم امروز انگیزه‌ها وجود دارد برای تحریف، یعنی سعی میکنند چهره‌ی خبیث‌ترین و زشت‌ترین و سیاه‌رترین عناصر حُکام تاریخی اواخر این مَلّت را به شکلی آرایش کنند که حقیقت برای مردم مکشوف نشود و نفهمند با این انقلاب چه کردند» (۱۳۹۳/۱۰/۱۷).

۳۸) روایت به موقع حوادث

«نکته مهم دیگر در زندگی این بزرگوار که آن هم باز نشانه‌ی تدبیر است، این است که این بزرگوار جهاد تبیین را، جهاد روایت را راه انداخت؛ نگذاشت و فرصت نداد که روایت دشمن از حادثه غلبه پیدا کند؛ کاری کرد که روایت او بر افکار عمومی غلبه پیدا کند. شما روایت کنید حقایق جامعه‌ی خودتان و کشور خودتان و انقلابتان را. شما اگر روایت نکنید، دشمن روایت میکند؛ شما اگر انقلاب را روایت نکنید، دشمن روایت میکند؛ شما اگر حادثه‌ی دفاع مقدّس را روایت نکنید، دشمن روایت میکند، هر جور دلش میخواهد؛ توجیه میکند» (۱۴۰۰/۹/۲۱).

۳۹) افشای حماسه‌های ملی

«در کشور هزاران حماسه به وجود می‌آید؛ در طول این سال‌ها، در طول این چهار دهه در کشور چقدر کارهای بزرگ انجام گرفته، چقدر کارهای حماسه‌آمیز انجام گرفته! خوب این‌ها بایستی بیان بشود؛ این‌ها را دشمن کتمان می‌کند، دشمن اجازه نمی‌دهد [پخش بشود]. در عرصه‌های اجتماعی، در عرصه‌های اقتصادی، در عرصه‌های عمرانی، در عرصه‌های آموزشی، در عرصه‌های بهداشت و درمان. در صنعت» (بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی و پدافند هوایی ارتش ۱۴۰۰/۱۱/۱۹).

۴) الزامات جهاد تبیین

۴.۱) نوآوری در نرم‌افزارها

«در جنگ‌های سخت با سلاح‌های قدیمی دیگر نمی‌شود جنگید. امروز با شمشیر و با نیزه و با این چیزها، نمیشود به جنگ توپ و موشک و مانند اینها رفت. در جهاد تبیین هم همین جور است؛ با شیوه‌های قدیمی [نمیشود کار کرد]. البته بعضی از شیوه‌های قدیمی جایگزین ندارد، مثل منبر، مثل

مداحی؛ اینها قدیمی است اما جایگزین ندارد؛ اینها همچنان اثرگذار است و هیچ چیز دیگری جای اینها را نمیگیرد، لکن از لحاظ ابزارهای گوناگون بایستی به‌روز حرکت کرد. سلاح تبیین یک بخش نرم‌افزاری مهمی دارد؛ در اینجا بایستی نوآوری صورت بگیرد، بایستی سخن نو گفته بشود و شیوه‌ی نو در بیان ذکر بشود» (۱۴۰۰/۱۲/۱۹).

۴.۲) فراهم آوردن تجهیزات لازم

«جوان‌های ما امروز بحمدالله مجهزند؛ مجهز به فکر، مجهز به عقلانیت، مجهز به آگاهی‌های فراوان و میتوانند در این زمینه‌ها خیلی تلاش کنند. خودتان را آماده کنید، این تجهیزات را در خودتان افزایش بدهید و به معنای واقعی کلمه خودتان را مجهز کنید و در این میدان وارد بشوید: در میدان تبیین و افشاگری، یعنی راهی که زینب کبری در این چهل روز انجام داد» (۱۴۰۰/۷/۵)

۴.۳) کامل نکردن پازل دشمن

«در جنگ فرهنگی، در جنگ سیاسی، در جنگ امنیتی، تحرک دشمن را درست نمی‌توان دید. گاهی اوقات، دشمن کار را به گونه‌ای ترتیب می‌دهد که حرف حقی، از زبان یک نفر صادر بشود! دشمن ناحق و باطل است، پس چرا می‌خواهد این حرف حق از زبان آن شخص صادر بشود؟ چون می‌خواهد پازل خودش را کامل کند. این پازل از صد یا دویست قطعه تشکیل شده؛ یک قطعه‌اش هم همین حرف حقی است که آن شخص باید بزند تا این پازل را کامل کند! اینجا این حرف حق را نباید زد. پازل دشمن را کامل نباید کرد. در این حد هوشیاری لازم است» (۱۳۸۶/۲/۳۱).

۴.۴) عدم محافظه‌کاری به همراه هوشیاری و بیداری مضاعف

«چطور دشمن را بشناسیم؟ چطور تمایلات او را کشف کنیم؟ چطور بفهمیم که این کار به نفع دشمن یا به ضرر دشمن است؟ این همان نقطه‌ی اساسی است. این همان جایی است که به اهتمام کامل، مطلقاً سهل‌انگاری نکردن و هوشیاری و بیداری کامل احتیاج دارد. اگر هم در جایی برای انسان مطلب روشن نیست، آنجا نباید حرکت کند. اگر دیدید زیر پا محکم است، پا بگذارید؛ اگر دیدید مشکوک است، پا نگذارید. بنابراین محافظه‌کار نباشید، اما هوشیار باشید؛ این، آن خط سیاسی است» (۱۳۸۶/۲/۳۱).

۴.۵) تبیین در عین اجتناب از مجادلات بیهوده سیاسی و جناحی

«مسئولان گوناگون دولتی، بخصوص مسئولان سطوح بالا، وقت خودشان را به بگومگوهای متداول

عرصه‌های سیاسی و جناحی تلف نکنند، که این یکی از آفت‌هاست. نه اینکه توضیح ندهند؛ چرا، ما این را تأکید داریم که هر شبهه‌ای ایجاد می‌شود، مسئولان دولتی آن شبهه را برطرف کنند و توضیح دهند؛ توجیه و تبیین کنند؛ لکن در دام بگو مگوهای سیاسی و تحرکات گوناگون جناحی نیفتند. این، این‌ها را از کار باز می‌دارد؛ پرهیز از این، به نظر ما بسیار لازم است» (۱۳۸۶/۰۴/۰۹).

۴.۶) تبیین مبتنی بر اخلاق و عقلانیت

«هر کدام از شما به عنوان یک وظیفه، مثل یک چراغی، مثل یک نوری پیرامون خودتان را روشن کنید. امروز خوشبختانه میدان باز است برای انتشار افکار. البته اصل قطعی در این باب این است که بایستی از شیوه اخلاقی در این کار پیروی کرد. بایستی حقایق را با منطق قوی، سخن متین و عقلانیت کامل، همراه با زینت عاطفه و عواطف انسانی و به‌کارگیری اخلاق منتشر کرد. امروز همه‌ی ما بایستی در این میدان حرکت بکنیم؛ هر کدام به نحوی و با سهمی که در این راه داریم» (۱۴۰۰/۷/۵). سیاست کلی تبلیغ دین در داخل جامعه اسلامی باید سیاست رحمت و تشویق باشد. پیامبر گرامی اسلام (ص) در راه تبلیغ فرامین الهی آن چنان با اخلاق نیک با مردم به مدارا و مهربانی رفتار می‌کرد که همه را مجذوب خود ساخته بود و طوایف و قبایل مختلف که همه دشمن یکدیگر بودند به گرد او جمع شدند (ناظری، ۱۳۸۷).

۴.۷) پرهیز از فروع و حواشی

«از فروع و از حواشی، بجد پرهیز کنید؛ من می‌بینم متأسفانه در غالب دوران‌ها ما زیاد دچار حواشی و فروع بوده‌ایم ... اما حالا با پدید آمدن فضای مجازی و این حواشی‌ای که در فضای مجازی و مانند اینها هست، بیشتر هم این فروع و این حواشی و امثال اینها زیاد میشود؛ از آنها هر چه ممکن است پرهیز کنید» (۱۳۹۷/۵/۳۰).

۴.۸) تبیین متقن

«بدون تبیین و تبیین بلیغ، قطعاً هیچ فکری و هیچ اندیشه متقنی، توفیق رواج و اعتقاد عمومی را پیدا نخواهد کرد. سعی کنید به دست فراموشی سپرده نشود؛ اتقان. اتقان خیلی مهم است. گاهی اوقات انسان خیال میکند در تبیین، عنصر اتقان مطلقاً شیرین کردن یک قضیه در چشم مخاطبین، باید آن را با پیرایه‌ها و اغراق‌هایی بیامیزد؛ بعد که از یک افق بالاتری نگاه میکند، می‌بیند نه، این پیرایه‌ها - چون مصنوع ما بود - نه فقط بر ارزش آن عنصر حقیقی نیفزود، بلکه گاهی از آن کاست. اتقان را در نظر بگیرید و روایت را روایت صحیح قرار بدهید» (۱۳۸۹/۰۴/۱۴). «آموزه‌های اصیل دینی که در مکتب

تشیع به منصفه ظهور رسیده‌اند، از ذات استوار و متقنی برخوردارند؛ آن چنان که توانسته‌اند در سیر تاریخ با عبور از تندبادهای حوادث و بی‌مهری‌ها و مصائب مختلف عبور نموده و امروزه مجموعه‌ای سترگ از بایسته‌های زندگی و کمال را به دست انسان برسانند. اگر در مسئله تبلیغ و فرآیند انتشار آن - به ویژه در بستر فضای مجازی- روش مبلغ دارای نقص باشد، اتقان ذاتی آموزه‌ها نیز دستخوش تهاجم قرار می‌گیرند» (حسینی صفا و غیاثوند، ۱۳۹۸: ۹۲).

۴.۹) تبیین حقایق بدون تعصب‌ورزی

«یکی از کارهای مهم نخبگان و خواص، تبیین است؛ حقائق را بدون تعصب روشن کنند؛ بدون حاکمیت تعلقات جناحی و گروهی و بر دل آن گوینده. اینها مضر است. جناح و اینها را باید کنار گذاشت، باید حقیقت را فهمید» (۱۳۸۷/۵/۵).

۴.۱۰) تبیین حقایق بدون دامن‌زدن به اختلافات

«اگر یک کسی یک حرف غلطی زد، آیا کسی باید به او جواب بدهد یا نه؟ خب، بله معلوم است. جواب‌دادن به حرف غلط، شیوه خودش را دارد، راه خودش را دارد، کار خاص خودش است. یک وقت هست که حالا که کسی یک حرف غلطی زد، ما بیائیم مثلاً صدجا این حرف غلط را تابلو کنیم، شعار کنیم که آقا، فلانی این حرف غلط را زد، تا همه بدانند. این است که اشتباه است، خطاست. جزو راهبردهای اساسی کار ما از اول، مسئله تبیین بوده است. تبیین لازم است؛ اما این معنایش این نیست که ما به اختلافات درونی، هی دامن بزیم. مراقب باشید. این را همه باید مراقب باشند» (۱۳۹۰/۰۴/۱۳).

۴.۱۱) تبیین هنرمندانه

مبلغان دینی باید به این نکته توجه کنند که وظیفه تبلیغی آن‌ها، صرفاً با گفتن احکام شرعی و خواندن و ترجمه حدیث و بیان خطابه ادا نمی‌شود و باید تا جایی که ممکن است، متناسب با استعداد خود، هنرمندانه از ابزارهای تبلیغی استفاده کنند (موسوی تبار، ۱۳۹۶). «ابزارهای هنری، بی‌شک، رساترین، بلوغ‌ترین و کاری‌ترین ابزار ابلاغ و تبلیغ پیام است. بارها گفته‌ام که هر پیامی، هر دعوتی، هر انقلابی، هر تمدنی و هر فرهنگی تا در قالب هنر ریخته نشود، شانس نفوذ و گسترش ندارد و ماندگار نخواهد بود و فرقی هم بین پیام‌های حق و باطل نیست» (۱۳۶۵/۹/۲۷).

(۵) بستر جهاد تبیین

(۵.۱) جنگ رسانه‌های آمریکا و جمهوری اسلامی از اول انقلاب

«از اول انقلاب تا امروز، آمریکا جنگ رسانه‌ای با ما داشته؛ یعنی دروغ‌پراکنی، اغواگری، فتنه‌انگیزی، ترویج فساد، تحریک افراد؛ این مال امروز نیست. امروز البته شیوه‌های جدید و اینترنت و فضای مجازی و امثال اینها هم آمده است اما آن‌وقتی هم که اینها نبود، با تلویزیون، با رادیو، با ماهواره، دائم مشغول بودند؛ یعنی چهل سال است که این چالش بین ما و آمریکا وجود دارد» (۱۳۹۷/۰۸/۱۲).

(۵.۲) فضای مجازی بستری برای سلب ایمان، حیا و اخلاق جوانان

«ایمان و حیا و اخلاق جوانان هم مایه‌ی اقتدار است، [لذا] با آن دشمنند. این‌همه در فضای مجازی و در رسانه‌ها فعالیت میکنند، میلیاردها خرج میکنند برای اینکه بتوانند از جوان ایرانی اخلاق را، ایمان را، پایبندی به شریعت را، حیا را سلب کنند و بگیرند؛ چرا؟ چون اینها مایه‌ی اقتدار کشور است. با جوان مؤمن متشرع باحیای باایمان که در مقابل این وسایل شهوت‌انگیز نمبلغزد و میتواند خودش را نگه دارد، و برای کشور مایه‌ی اقتدار است؛ دشمنند» (۱۳۹۶/۰۲/۲۰).

(۵.۳) ضرورت مدیریت فضای مجازی

«فضای مجازی خیلی مهم است. آقایانی که در زمینه‌ی فضای مجازی نظراتی دارند و ابراز میکنند و گاهی میگویند که این جزو زندگی اصلی مردم است. شکی نیست [اما] آنچه عرض من است و من روی آن تکیه میکنم این است که فضای مجازی بدون اختیار ما، از بیرون از اختیار ما دارد مدیریت میشود؛ بحث این است. فضای مجازی یک چیزی نیست که آدم بتواند مثل یک آب روانی هر جور که میخواهد از آن استفاده بکند؛ دیگران دارند این آب را به یک سمتی که خودشان میخواهند هدایت میکنند؛ آنها دارند مدیریت میکنند این فضا را. خب وقتی که ما میدانیم کسانی از بیرون دارند فضای مجازی را - که ما هم دست‌اندرکارش هستیم و مبتلابه ما است - هدایت میکنند و مدیریت میکنند، ما نمیتوانیم بی‌کار بنشینیم در مقابل او؛ ما نمیتوانیم مردمان را که با فضای مجازی ارتباط دارند، بی‌پناه رها کنیم در اختیار آن مدیری که دارد پشت پرده، فضای مجازی را اداره می‌کند» (۱۳۹۹/۰۶/۰۲).

(۵.۴) ضرورت حفظ امنیت روانی

«یکی از حقوق عمومی مردم همین است که امنیت روانی داشته باشند. امنیت روانی یعنی چه؟ یعنی هر

روز یک شایعه‌ای، یک دروغی، یک حرف هراس‌افکننده‌ای در ذهنها پخش نشود. حالا تا دیروز فقط روزنامه‌ها بودند که این کارها را میکردند، حالا فضای مجازی هم اضافه شده. هر چند وقت یا چند روز یک بار، گاهی چند ساعت یک بار یک شایعه‌ای، یک دروغی، یک حرفی را یک آدم مشخصی یا نامشخصی در فضای مجازی منتشر میکند، مردم را نگران میکند، ذهن مردم را خراب میکند. یک دروغی را مطرح میکند، شایع میکند، خب، این امنیت روانی مردم از بین می‌رود» (۱۴۰۱/۰۴/۰۷).

۵۵) لزوم مقابله بهره‌ورانه با فضای مجازی

«امروز بهمنی از گزاره‌های درست و نادرست دارد روی سر مراجعین اینترنت ما فرود می‌آید؛ اطلاعات غلط، اطلاعات نادرست، اطلاعات مضر، شبه اطلاعات - بعضی چیزها اطلاعات واقعی نیست، اطلاع‌نمایی است - خب اینها دارد مثل یک بهمنی فرود می‌آید؛ ما چرا باید اجازه بدهیم این اتفاق بیفتد؟ ما چرا باید اجازه بدهیم آن چیزهایی که برخلاف ارزشهای ما است، برخلاف آن اصول مسلم‌های ما است، برخلاف همان اجزا و عناصر اصلی هویت ملی ما است، به‌وسیله‌ی کسانی که بدخواه ما هستند، در داخل کشور توسعه پیدا کند؟ نه. کاری کنید که از منافع و سودها و بهره‌های فضای مجازی همه بتوانند استفاده کنند اما در آن چیزهایی که به ضرر کشور شما، به ضرر جوان شما و به ضرر افکار عمومی شما نیست؛ این چیز خیلی مهمی است؛ این کار باید انجام بگیرد. بنابراین، مسئله‌ی شبکه‌ی ملی اطلاعات هم خیلی مهم است» (۱۳۹۶/۰۳/۲۲). «یک نکته‌ی دیگر هم مسئله‌ی فضای مجازی است. این فضا یک فرصتهای بزرگی در اختیار هر کشوری میگذارد، تهدیدهایی هم در کنارش دارد؛ ما بایستی کاری کنیم که از آن فرصتها حداکثر استفاده را بکنیم، از این تهدیدها تا آنجایی که ممکن است خودمان را برکنار نگه بداریم» (۱۳۹۵/۰۶/۰۳).

۵۶) تسریع در قانون‌گذاری

«البته اینجا هم من شنیدم بعضی گفتند که قانون نداریم؛ اولاً میشود از همین قوانین موجود استفاده کرد و حکم این را فهمید؛ اگر قانون هم ندارید، سریع قانون تهیه کنید؛ اینها چیزهای مهمی است» (۱۴۰۱/۰۴/۰۷).

۵۷) رسانه متناظر سلاح شیمیایی در جنگ نظامی است

«فعلاً دشمن از ابزار رسانه استفاده میکند برای اثرگذاری بر افکار عمومی. توجه کنید! ابزار رسانه، ابزار مهم و اگر دست دشمن باشد، ابزار خطرناکی است. ابزار رسانه را تشبیه میکنند به سلاحهای شیمیایی در جنگ نظامی؛ سلاح شیمیایی را وقتی میزنند، سلاح شیمیایی تانک و تجهیزات را از بین نمیرد؛

تجهیزات میماند و انسانها از بین میروند و از قدرت استفاده‌ی از ابزار می‌افتند؛ سلاح شیمیایی در جنگ نظامی این جوری است؛ ابزار رسانه هم این جور است. امروز از تلویزیون، از رادیو، از اینترنت، از شبکه‌های اجتماعی، از انواع و اقسام وسایل فضای مجازی، علیه افکار عمومی ما استفاده میشود؛ این را کسانی که مسئولیت این بخش از کشور را -بخش ارتباطات را- دارند، درست توجه کنند... که آنها ابزاری نشوند برای اینکه دشمن راحت بتواند سلاح شیمیایی خودش را علیه این مردم به کار ببرد. وظیفه‌ی خودشان را بدانند و با جدیت عمل کنند» (۱۳۹۷/۰۷/۱۲).

۵۸) لزوم تقویت مبانی بصیرت و سواد رسانه‌ای

«مسئولین باید احساس مسئولیت کنند، بدانند که چرا دشمن روی فلان کلمه، روی فلان اسم حسّاس است و میندد آن را، و چرا این همه حجم دروغ را در فضای مجازی منتشر میکند؛ و علاج کند، مقابله کند؛ این [وظیفه‌ی] مسئولین. خود شما جوانها هم وظیفه دارید، خود شما هم باید احساس مسئولیت کنید. هم بایستی احساس مسئولیت کنید برای اینکه بتوانید تشخیص بدهید حقیقت را از دروغ. به نظر من میشود؛ این جور نیست که نشود. یک چیزهایی را به حجم زیاد، با تکرار زیاد، میخواهند در ذهنها فرو کنند اما میشود فهمید که این خلاف واقع است یا نیست. پس تشخیص حرف درست از دروغ و تحریف» (۱۴۰۱/۰۸/۱۱).

۵۹) ضرورت حفظ وحدت آحاد مردم

«یک مسئله مهم... مسئله‌ی وحدت آحاد مردم -وحدت ملی و وحدت اجتماعی مردم- است. متأسفانه امروز در فضای عمومی، در فضاهای مجازی، توهین به یکدیگر، اهانت به یکدیگر، تهمت زدن به یکدیگر از سوی جمعی رایج شده است؛ البته این جمع، مسلماً جمع زیادی نیستند لکن کارشان به کشور و به فضای عمومی کشور صدمه میزند؛ بعضی از اینها گناه کبیره است. بایستی روح وحدت و روح اهتمام [باشد]» (۱۳۹۷/۰۳/۲۵).

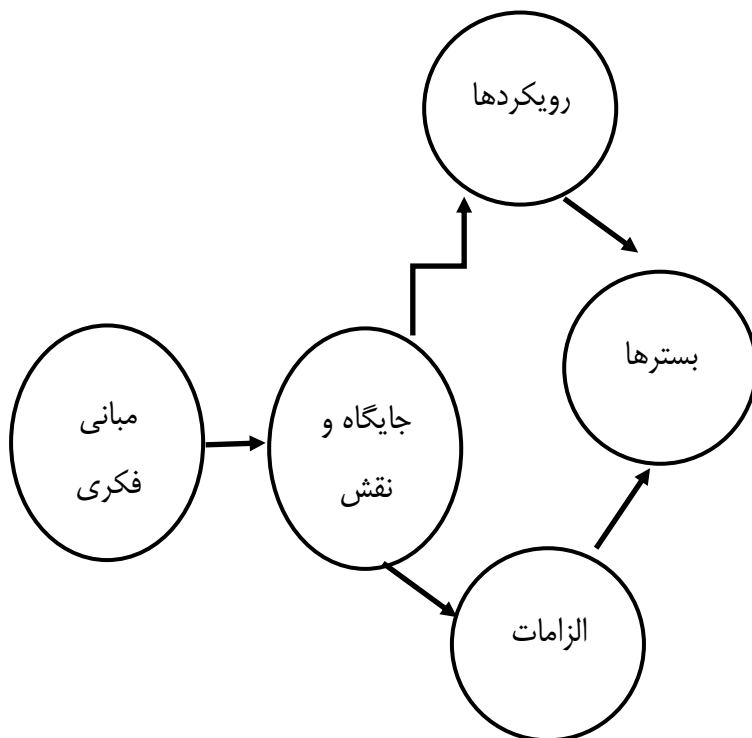
نتیجه‌گیری

یکی از پایه‌های اساسی جنگ ترکیبی، حمله به اصول عقائد جامعه و سست کردن آن‌ها در دل مؤمنین از طریق ایجاد شبهات بزرگ و کوچک و تحریف حقایق است. در چنین حالتی با انحراف و اختلال در

عقیده و برداشت و تلقی هر انسان از واقعیات و حقایق عالم، به تدریج رفتار و خلیقات فردی و اجتماعی او نیز از راه حق و حقیقت جدا شده و رنگ الهی و دینی خود را از دست می‌دهد. دشمن تلاش می‌کند در این جنگ پشتوانه مردمی نظام اسلامی را از آن گرفته و برای رسیدن به این هدف، با ایجاد تغییر در باورها و نگرش‌های مردم بستر فروپاشی و تغییر سیاسی را فراهم نمایند. پیامد نهایی چنین امری این خواهد شد که جوان مؤمن فداکار با اراده و با قدرت تصمیم‌گیری که مثل گلوله سوزانی به سمت سینه دشمن حرکت می‌کرد به یک موجود پشیمان، متزلزل، مردد، منفعل و احیاناً پشت به جبهه کرده تبدیل می‌شود که نه تنها خود راهی به سوی سعادت نخواهد یافت بلکه به احتمال زیاد زمینه به خطر افتادن سایر افراد جامعه را نیز فراهم خواهد کرد. راهکار اصلی مقابله با امواج متعدد جنگ ترکیبی، طبق فرموده مقام معظم رهبری ^{مد ظله العالی}، جهاد تبیین است. جهاد تبیین است که دانش کاربردی مخاطبان را توسعه داده و با ایجاد یک دیوار دفاعی برای تأمین امنیت ذهنی مردم این روند را متوقف می‌کند و همچنین با افزایش قدرت تشخیص مردم، مانع از موفقیت تهاجم نرم دشمن و تبدیل افراد جامعه به پیاده نظام جنگ ادراکی دشمن می‌شود.

پژوهش حاضر با درک جایگاه مهم فریضه جهاد تبیین در عرصه جنگ ترکیبی، به دنبال مفهوم‌پردازی هندسه جهاد تبیین در راستای تعیین سازوکارهای اجرایی این موضوع در منظومه فکری مقام معظم رهبری ^{مد ظله العالی} بوده است. در شرایط کنونی عنصر تبیین نه به صورت عادی بلکه باید به شکل جهادی انجام پذیرد تا یک سپر دفاعی عمومی برای اذهان و قلوب مردم کشور فراهم آید و بالاتر از آن یک توانایی فردی برای مواجهه با انحرافات و هجمه به آنان در تک تک آحاد جامعه ایجاد شود. بر اساس نتایج به دست آمده می‌توان مدل مفهومی پژوهش را به شکل زیر ارائه کرد. جهاد تبیین از یک سری مبانی فکری که ریشه در اسلام سیاسی و انقلابی دارد، نشئت می‌گیرد. این مفهوم در قالب نظام جمهوری اسلامی و برای دستیابی به آرمان‌های تمدن نوین اسلامی، جایگاه خود را می‌یابد و سپس متناسب با اقتضائات مختلف از جمله وضعیت جامعه، ملاحظات زمانی، درک مخاطبان هدف و ... رویکردهای متفاوتی را پیش می‌گیرد. برای تحقق جهاد تبیین ضروری است که یک سری الزامات ملحوظ گردد تا این جهاد بتواند به صورت کارآمد و مؤثری ظاهر شود. این الزامات به یک معنا اصول عملیاتی و دستورالعمل‌های اجرایی هستند که باید همیشه و همه‌جا رعایت گردند. در عنصر پایانی این

مدل به بسترهای تحقق جهاد تبیین و مهم‌ترین و گسترده‌ترین بستر موجود یعنی رسانه‌های اجتماعی اشاره شده و ارکان ضروری جهت تحقق جهاد تبیین در این فضا تشریح شده است.



در ادامه بر اساس بررسی منظومه فکری مقام معظم رهبری در حوزه جهاد تبیین، راهبردهای اجرایی مورد نظر پژوهشگران جهت تحقق مطالبات و منویات مقام معظم رهبری به شرح زیر ارائه می‌گردد.

• جهاد تبیین با رویکرد فعالانه

جهاد تبیین از جمله میدان‌های مواجهه مستقیم با شیاطین انس و جنی است و از این رو بسیار لازم و مهم است که از گرفتاری به آسیب‌هایی که ممکن است از نحوه عملکرد خودمان به ما برسد، جداً مراقبت کنیم. مهم‌ترین مورد در این خصوص این است که نباید جهاد تبیین تماماً با رویکرد انفعالی صورت پذیرد. چرا که شاید در بسیاری از مواقع هدف اصلی از طرح دشمن، خود موضوع مطرح‌شده

نیست بلکه هدف اصلی مشغول کردن و منصرف کردن متولیان جامعه از آن دسته عناصر اساسی و تعیین‌کننده‌ای است که اگر تبیین و احیاء گردد پیشرفت و تعالی شدیدی در جامعه شکل خواهد گرفت. از این رو هیچگاه نباید جهاد تبیین را در مرحله اولیه و انفعالی متوقف کرد بلکه باید سریعاً به مرحله فعال، تهاجمی یا ایجابی وارد شد و بر اساس شناخت فضای جامعه و پیش‌بینی اهداف غایی دشمن، رویکردهای تبیینی را برگزید.

• تحدید حیطه ورود و عملکرد تبیینی

در منظومه فکری مقام معظم رهبری تبیین و تبلیغ باید مبتنی بر فهم نیاز مردم و با رعایت کامل اقتضائات زمانی ساختار یافته و اجرایی شود تا اولاً کارآمد و اثربخش باشد و ثانیاً از اتلاف وقت، هزینه و منابع جلوگیری شود. بر همین اساس نکته مهم دیگر تعیین حدود عملکردی و رعایت اصل تغافل در موارد نیاز است. البته باید دقت بسیاری شود تا این الزام با تبلی و ول‌انگاری خلط نگردد. در بعضی موارد دشمنان با ایجاد هیاهوی مختصر و صوری در یکی از نقاط تمرکز و حساسیت ما، فقط سعی بر این دارند که ما را برانگیخته ساخته و وارد میدان تبیین سازند در حالی که در حقیقت مطلب چندان قابل اعتنایی وجود نداشته است. در چنین حالتی اولاً وقت و انرژی جبهه انقلاب اسلامی بیهوده تلف می‌شود، دوم این که احتمال دارد دشمن حمله اصلی را از نقطه دیگری که در حال حاضر مورد توجه کامل ما نیست بر ما وارد سازد و سوم این که دشمن و شبهات او بیهوده در نظر مخاطب مهم و اثرگذار جلوگر شده است.

• بصیرت‌بخشی و تفکرسازی

در تمام فعالیت‌های تبیینی باید تأکید بر فعال‌سازی نیروی تفکر نسل جوان و آزادسازی او از بندهای مختل‌کننده فطرت پاک انسانی مثل تعصبات، شهوات و... در اولویت قرار بگیرد. صرف پاسخگویی به شبهات چندان اثربخش نخواهد بود. در کنار پاسخگویی به شبهات باید روی مبانی فکری و اصول معرفتی تأکید ویژه‌ای داشت. همچنانکه مقام معظم رهبری ویژگی اصلی معرفت انسانی به خصوص معرفت دینی را روشن‌بینی و آگاهی کامل می‌دانند، باید مبانی فکری به قدری خوب و قوی برای مخاطب تشریح شود تا خود او در مواجهه با مسائل مختلف قدرت تحلیل و پاسخگویی داشته باشد. باید اولاً مسیر تفکر پیش روی او گشوده شود و ثانیاً شیوه تفکر آزاد و منطقی بر او عرضه گردد تا در

برابر شبهات برای همیشه محافظت شود. به همین جهت لازم نیست که همیشه وارد میدان‌های پرهیاهو و غبارآلود شبهات و مسائل مطروحه شده و ای بسا در بین اظهار نظرهای بیشمار طرفین ناپدید شویم بلکه باید در آرامش کامل، حقایق ناب فطری و الهی را به جان‌های مخاطبانمان عرضه کنیم.

• سازندگی و ویرانگری توأمان

طرح سؤالات و شبهه ویرانگری است و در نقطه مقابل تبیین و پاسخگویی به آن از جنس سازندگی است. ویرانگری کاری سهل، سریع و بدون نیاز به تخصص و فهم خاصی است اما سازندگی کاری تدریجی، نیازمند برنامه‌ریزی و تخصص دقیق است. به همین دلیل اگر ما به صورت انفعالی به دنبال تحریفات، سؤالات و شبهات موجود رفته و تبیین کنیم قطعاً عقب خواهیم ماند و کار پیش نخواهد رفت. طرف مقابل بسیار ساده القا خواهد کرد ولی پاسخگویی برای ما بسیار سخت‌تر خواهد بود به همین دلیل برای برخورد ریشه‌ای با دشمن نباید به پاسخگویی به شبهات بسنده کرد بلکه باید حتماً وارد عرصه تهاجمی شد. مقام معظم رهبری در بیانات خویش با اشاره به همین راهبرد می‌فرمایند که باید با فرصت‌طلبی و تیزی کامل از تشنه آرا و تعارض قوای منافقین بهره‌برداری کرد و بر آنها ضربه وارد کرد. به عبارت دیگر ما نیز باید به ابعاد مختلف آرایش جبهه ضدانقلاب و به خصوص به مبانی و عملکرد طرف مقابل هجمه وارد کنیم تا او نیز به انفعال بیفتد و توازن برقرار گردد. به این ترتیب باید همزمان هم دفاع و هم حمله کرد.

• پیش‌دستی هوشمندانه در طرح مسائل و تبیین آنها

با پیش‌دستی هوشمندانه جبهه انقلاب اسلامی در طرح مسائل موجود، شبهات و مشکلات موجود در سطح جامعه بدون پیرایه‌های فریب‌دهنده و اغواگرانه و بزرگنمایی‌های بی‌مورد و غرض‌ورزانه به مخاطب می‌رسد و بلافاصله پاسخ‌های متقن و مستدل نیز در اختیار مخاطب قرار می‌گیرد. مقام معظم رهبری در قالب استعاره‌ای جالب این فرایند را مانند کار طیب مشفق می‌دانند که بیماری را جستجو می‌کند، او را می‌شناسد، با هر زحمتی که شده داروی آن را تهیه می‌کند و بر روی زخم می‌گذارد و از آن مراقبت می‌کند تا بهبودی حاصل شود. این طریقه شجاعت، انصاف و طرفداری منبع پیام از حقیقت را برای مخاطبین اثبات می‌کند. عبارت «هوشمندانه» به عنوان صفت «پیش‌دستی»، بسیار مهم و قابل توجه است. هوشمندانه بودن پیش‌دستی از چندین بعد باید مورد ملاحظه قرار گیرد تا مبادا این

پیش‌دستی، آسیب‌رسان باشد. اولاً باید در حد امکان مراقب بود که احیاناً پیش‌دستی در طرح مسائل در حالتی که موضوعی به هیچ وجه برای بخش قابل توجهی از مخاطب عام مطرح نبوده و هیچ پیش‌بینی منطقی هم احتمال بالای ابتلای قریب الوقوع مخاطب به این شبهات را برآورد نمی‌کند؛ انجام نگیرد. دوماً باید مراقبت کرد که پیش‌دستی در طرح شبهات باعث «خداشه‌پذیری حقایق مسلم برای مخاطب» و تنزل مرتبه قدسی حقایق ناب در نظام اندیشه‌ای او نگردد. پس باید به نقطه بهینه‌ای که بتوان تمام عناصر یادشده را در آن برآورده ساخت و به عبارت دیگر پیش‌دستی هوشمندانه را در آن یافت، دست پیدا کنیم و بر اساس آن اقدام به طرح و تبیین مسائل نماییم.

منابع

- ابراهیمی، سیدابراهیم (۱۳۸۵). بایسته‌های مهندسی فرهنگی. ماهنامه مهندسی فرهنگی. شماره ۶ و ۷. تافلر، الوین (۱۳۸۵). موج سوم، ترجمه شهیندخت خوارزمی. تهران: نشر علم.
- ثمودی پيله رود، علیرضا (۱۳۹۹). جنگ هیبریدی روسیه در کشورهای اروپایی؛ چرایی و چگونگی. مطالعات راهبردی. شماره ۸۹، ص ۲۰۴ - ۱۷۳.
- جلالی فراهانی، غلامرضا؛ علوی‌وفا، سعید (۱۳۹۱). راهبردهای دفاع رسانه‌ای در برابر جنگ نرم. نگرش امنیت ملی. شماره ۱، ص ۱۷۳ - ۱۳۶.
- جمشیدیان، هادی؛ افتخاری، اصغر (۱۳۸۹). تهدید رسانه‌ای و جنگ نرم. مطالعات راهبرد دفاعی. شماره ۱۱۲، ص ۱۵۶ - ۱۲۵.
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی. بیانات در دیدارهای مختلف. <https://farsi.khamenei.ir/speech>
- حسینی صفا، سیدمحسن؛ غیاثوند، زهرا (۱۳۹۸). ظرافت‌ها و عوامل تأثیرگذار تبلیغ دین در بستر فضای مجازی. *International Multidisciplinary Journal of Pure Life*. شماره ۱۸، ص ۹۸ - ۷۵.
- حیدری نسب، علیرضا؛ کیخا، آمنه (۱۳۹۷). بررسی عملکرد نرم امام سجاد علیه السلام در بازشناسی بایسته‌های جنگ نرم در قرن ۲۱. مطالعات راهبردی علوم انسانی و اسلامی. شماره ۱۷، ص ۲۶ - ۱۱.
- خمینی، سیدروح‌الله. ۱۳۸۹. صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی (ره) (بیانات، پیام‌ها، مصاحبه‌ها، احکام، اجازات شرعی و نامه‌ها) (دوره بیست و دو جلدی). تهران: نشر مؤسسه تنظیم و نشر آثار

امام خمینی رحمه الله علیه.

ذوالقدر، محمدباقر؛ نائینی، علی محمد (۱۳۹۱). بررسی جنگ نرم آمریکا در بعد فرهنگی علیه جمهوری اسلامی ایران و ارائه راهبردهای مقابله با آن. مدیریت و پژوهش‌های دفاعی. شماره ۷۰، ص ۱۲۲ - ۸۷.

راجی، محمدهادی؛ افتخاری، اصغر (۱۳۹۸). جنگ ترکیبی غرب در برابر جمهوری اسلامی ایران (تحلیل ابعاد و روش‌ها). سیاست دفاعی. شماره ۱۰۹، ص ۱۱۱-۷۵.

راجی، محمدهادی؛ مرندی، سیدعلی (۱۴۰۱). بایسته‌های حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با جنگ هیبریدی. فصلنامه مطالعات فرهنگ دیپلماسی، شماره ۲، ص ۱۱۹-۱۳۸.

زنگویی، علیرضا (۱۴۰۰). جهاد تبیین در سیره حضرت فاطمه زهرا علیها السلام. ماهنامه مبلغان. شماره ۲۷۲، ص ۲۵ - ۱۵.

ستاریخواه، علی؛ خادم دقیق، امیرهوشنگ؛ نصیرزاده، عزیز؛ میرسمعی، سید محمد (۱۳۹۵). ماهیت صحنه جنگ ترکیبی آینده احتمالی علیه جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴. آینده پژوهی دفاعی. شماره ۱، ص ۴۴ - ۲۱.

سلیم، حجت (۱۳۹۹). بررسی شیوه‌های پاسخگویی به شبهات جوانان با استفاده از ظرفیت رادیو جوان. قم: انتشارات دین و رسانه.

سلیم، حجت؛ طباحی ممقانی، جواد؛ بابایی، رامین (۱۴۰۰). تربیت رسانه‌ای؛ کارکرد ویژه رسانه‌های جمعی اسلامی: اسلام و علوم اجتماعی. شماره ۲۳، ص ۱۲۳ - ۱۰۱.

سلیمانی، باقر (۱۴۰۰). بررسی و تبیین تهدیدات جنگ ترکیبی استکبار جهانی در گام دوم انقلاب اسلامی. پژوهش‌های علوم نظامی. شماره ۴، ص ۱۵۵ - ۱۲۵.

شیخ‌نوری، محمدامیر (۱۳۸۶). مهندسی فرهنگی؛ راهکار مقابله با تهاجم فرهنگی. شماره ۵۸.

عابدینی، حسن؛ فلخانباغ، خلیل (۱۳۹۵). انگیزه‌ها، اهداف و تاکتیک‌های غرب از سیاه‌نمایی گسترده علیه اسلام و ایران و چشم‌انداز آن. رسانه بین الملل. شماره ۱، ص ۱۹۲ - ۱۶۷.

کریمی تبار، مریم (۱۳۸۹). راهبردها و راهکارهای فرهنگی دولت زمینه‌ساز در رویارویی با جنگ نرم. مشرق موعود. شماره ۱۳، ص ۱۶۵ - ۱۳۹.

- لطیفی پاکده، لطفعلی (۱۳۹۰). روش‌های مقابله با جنگ نرم. پیام. شماره ۱۰۵، ص ۱۴۳ - ۱۲۲.
- محمدی، عباس (۱۳۹۲). جنگ نرم رسانه‌ای امریکا علیه جمهوری اسلامی ایران و راهکارهای مقابله. مطالعات عملیات روانی. شماره ۳۵، ص ۱۳۸ - ۱۰۴.
- موسوی تبار، سیداحمد (۱۳۹۶). اهمیت هنر در تبلیغ دینی؛ با تأکید بر نقش نماهنگ‌های چندرسانه‌ای. رهاورد نور. شماره ۵۸.
- میرجلیلی، سیدحسین (۱۳۸۶). نقش سرمایه فرهنگی در مهندسی فرهنگی. مهندسی فرهنگی. شماره ۱۲، ص ۴۶ - ۴۳.
- ناظری، زهرا (۱۳۸۷). شیوه تبلیغی پیامبر (ص). بینات (موسسه معارف اسلامی امام رضا علیه السلام). شماره ۲، ص ۲۲۴ - ۲۰۰.
- ناظمی اردکانی، مهدی؛ شعبانی سارویی، رمضان (۱۳۹۱). مهندسی فرهنگ و مهندسی فرهنگی دانشگاه لازمه تمدن‌سازی اسلامی. مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی و ایرانی. شماره ۲، ص ۲۳۷ - ۲۰۱.
- وجدانی، فاطمه؛ ایمانی، محسن؛ اکبریان، رضا؛ صادق زاده قمصری، غلیرضا (۱۳۹۲). تحلیلی مفهومی از روش «تبیین» و کاربرد آن در تربیت اخلاقی با تأکید بر تفسیر المیزان. تربیت اسلامی، شماره ۱۷، ص ۱۷۱ - ۱۹۱.